

## Political-Economic Analysis of the Urban System in Kermanshah Province (1335 to 1395)

---

Siavash Gholipoor<sup>1</sup> – Vakil Ahmadi<sup>2</sup> – Jalil karimi<sup>3</sup>

---

### Abstract

This paper studies the urban system and the reasons for its formation in the province of Kermanshah. The research method is descriptive-analytical and the data gathering technique is documental analysis (master plan, city consultant, population and housing census, reports of organizations and departments and statistical yearbooks. The results show that since 1335 the population distribution of urban areas has not been balanced in population thresholds. There are no large mid-sized cities and large medium cities. In all the censuses, there was the first city phenomenon in the province, and now, the population of the first city (Kermanshah) is 10.45 times that of the second city (Islamabad). The service distribution in urban areas with population distribution has the correlation of 0.99. This means that services are distributed based on population and there is no plan to solve this imbalance of the urban system. The political and economic reasons for the imbalance of the urban system are: the first, land reforms hampered rural production and the village lost the ability to maintain its population, and it shaped rural-urban migration. Second, the development plans through special attention to some urban areas, such as Kermanshah metropolitan increased their attractions. And it caused the urban balance shuffle. Third, the war caused massive migration of frontier population to Kermanshah metropolitan.

**Keywords:** political economy, development, Kermanshah, first city, urban system.

---

1. Assistant Professor, Dpt. Sociology, University of Razi. Corresponding Author  
(gholipoor.sia@gmail.com)

2. Assistant Professor, Dpt. Sociology, University of Razi.

3. Assistant Professor, Dpt. Sociology, University of Razi.



## تحلیل اقتصادی - سیاسی نظام شبکه شهری استان کرمانشاه (۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵)

سیاوش قلی‌پور<sup>۱</sup> - وکیل احمدی<sup>۲</sup> - جلیل کریمی<sup>۳</sup>

### چکیده

مقاله حاضر به دنبال بررسی نظام شهری در استان کرمانشاه و دلایل شکل‌گیری آن است.<sup>۴</sup> روش پژوهش «توصیفی تحلیلی» و فن گردآوری داده، بررسی اسناد (طرح جامع، مشاور شهر، سرشماری نفوس و مسکن، گزارشات سازمانها و ادارات و سالنامه‌های آماری) است. یافته‌ها نشان می‌دهند: از سال ۱۳۳۵ تاکنون، پراکنش جمعیت نقاط شهری در آستانه‌های جمعیتی متوازن نبوده است. شهرهای متوسط بزرگ و شهرهای بزرگ میانی وجود ندارد. در تمام سرشماری‌های پدیده نخست شهری در استان وجود داشته است و هم اکنون جمعیت شهر اول (کرمانشاه) ۱۰/۴۵ برابر شهر دوم (اسلام‌آباد) است. پراکنش خدمات در نقاط شهری با پراکنش جمعیت دارای همبستگی ۰/۹۹ درصد است. این بدان معناست که خدمات بر اساس جمعیت توزیع می‌شود و برنامه‌ای برای برون‌رفت از عدم تعادل نظام شهری وجود ندارد. دلایل سیاسی و اقتصادی عدم تعادل نظام شهری عبارتند از: نخست، اصلاحات ارضی که شیوه تولید روستایی را با مشکل مواجه ساخت و توانایی نگهداشت جمعیت خود را از دست داد و مهاجرت روستا به شهر شکل گرفت. دوم، برنامه‌های توسعه از طریق توجه ویژه به برخی نقاط شهری مانند کلان شهر کرمانشاه جاذبه آنها را فزونی بخشیدند و با جذب جمعیت تعادل نظام شهری را برهم زد. سوم، جنگ تحمیلی سبب مهاجرت گسترده جمعیت مرزنشین کرمانشاه به کلانشهر کرمانشاه شد.

واژگان کلیدی: اقتصاد سیاسی، توسعه، کرمانشاه، نخست‌شهری، نظام شهری.

۱. استادیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. نویسنده مسئول: (sgholipoor@razi.ac.ir)

۲. استادیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۳. استادیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۴. این جستار، تحلیلی مستخرج از داده‌های پژوهشی است به کارفرمایی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه و دانشگاه رازی، که در سال ۱۳۹۶ به سرانجام رسیده است.

## مقدمه

سکونت‌گاه‌های انسانی متأثر از اقلیم، اقتصاد و امر سیاسی هستند. قرارگرفتن در مسیر راه تجاری، مرکز دستگاه سیاسی بودن و گره‌گاه تجاری و اقتصادی در رونق سکونتگاه شهری و مناطق اطراف آن نقش دارند. در دوره قاجار، ایران شامل چند منطقه شهری بود که در مرکز هر کدام از آنها یک شهر مرکزی، چند شهر کوچک و یا دهستان قرار داشت که با روستاهای اطراف یک «منطقه شهری» را تشکیل می‌دادند (بنگرید به اشرف ۱۳۵۳). این مناطق به لحاظ توازن جمعیتی با هم تناسب داشتند و عدم تعادلی در میان آنها مشاهده نمی‌شد. به‌طور کلی این امکان وجود نداشت که شهری بالغ بر ۲۰۰ هزار نفر جمعیت شکل بگیرد. تنها استثنا، پایتخت بود که با جمعیت ۲۵۰ هزار نفر در عهد ناصری نمی‌توانست توازن جمعیتی را بر هم زند.

با شروع حکومت رضاخان، روندهای مدرنیزاسیون شروع شد و تحولات عمده‌ای به وجود آمد که به‌مرور زمان تعادل جمعیتی را در کشور ایران به‌هم‌زده است. در دوره پهلوی اول، صنعتی‌شدن، گسترش راه‌های مواصلاتی، اسکان عشایر و اجرای طرح سربازی اجباری، شهرنشینی را در کانون توجه قرارداد. اصلاحات ارضی دومین عامل مهم در برهم‌خوردن تعادل جمعیتی بود. در این مرحله جابه‌جایی جمعیتی عظیمی از روستا به شهرهای کوچک، از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و از شهرهای بزرگ به پایتخت صورت گرفت. به موازات اصلاحات ارضی و فروش گسترده نفت در بازارهای جهانی، درآمد زیادی عاید کشور شد. این درآمد سرشار، دولت را قادر به مداخلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زیادی در پهنه سرزمینی ایران کرد. یکی از این موارد سرمایه‌گذاری دولت، در چارچوب طرح‌های توسعه‌ای و عمرانی بود که اغلب در برخی شهرهای بزرگ صورت گرفت و توجه کمتری به دیگر مناطق داشت که خود سبب عدم تعادل شد. این مداخلات سبب رشد نسبی شهرنشینی شدند و مسائل و مشکلات زیادی را به‌بار آوردند که ظهور تهیدستان شهری و مسائل و مشکلات آنها از آن جمله است (بنگرید به بیات، ۱۳۷۷). همچنین توجه به شهرنشینی و سکونت‌گاه‌های شهری، مجزا و بدون توجه به ظرفیت‌های محیط انجام گرفت. در امتداد این رویدادهای تاریخی، در سال‌های اخیر رشد شهرنشینی و ظهور ناخواسته شهرهای کوچک به دلیل سیاست تمرکزگرا در مراکز استانها و عدم برنامه‌ریزی مناسب برای تعادل جمعیت و فعالیت‌ها سبب افزایش تعداد شهرها شده و جمعیت شهرنشین کشور را فزونی بخشیده است. رشد شهرنشینی مبتنی بر سلسله‌مراتب نبوده و شهرهای بزرگ با اختلاف جمعیتی

زیادی نسبت به شهرهای کوچک تحول یافته‌اند. «بررسی نظام سلسله‌مراتب شهری در کشور حاکی از عدم تعادل بین مناطق مختلف آن حکایت دارد» (آسایش و مشیری، ۱۳۸۴: ۲۳۵).

استان کرمانشاه نیز با ۳۲ شهر، دامنه‌ای از شهری مختلف را در خود جای داده است که اندازه‌های مختلف جمعیتی، از ۳۲ نفر تا یک میلیون نفر در آن موجود است. کرمانشاه مرکز استان دارای امکانات و فعالیت‌های صنعتی، تجاری و خدماتی است و جاذبه زیادی برای جذب جمعیت دارد به نحوی که ۶۵ درصد جمعیت شهرنشین استان در آن قرار دارد و ۳۳ شهر دیگر ۳۵ درصد جمعیت را دارا هستند. این عدم تعادل، مطالعه سلسله‌مراتب نظام شهری و دلایل عدم تعادل آن را ضروری ساخته است. با توجه به این نکات، جستار حاضر کوشیده است به دو پرسش پاسخ دهد: ۱- الگوی شبکه شهری (سازمان‌دهی فضایی شهری) استان چیست؟ ۲- عوامل اقتصادی و سیاسی چگونه بر شکل‌گیری نظام شهری فعلی استان تأثیر گذاشته‌اند؟

## روش‌شناسی

روش این پژوهش «توصیفی تحلیلی» است. فنون گردآوری داده عبارتند از بررسی اسناد، گزارشات آرشیوی، مصاحبه‌ها، مشاهده مستقیم و مصنوعات مادی.

## بررسی اسناد

بر این اساس تمام نقشه‌ها و مدارک مرتبط با موضوع مورد مطالعه در استان کرمانشاه از سال ۱۳۳۵ تاکنون به‌عنوان سند (داده) تلقی شده است. اغلب این اسناد در بایگانی وزارت مسکن و شهرسازی است. همچنین پژوهش‌های میدانی مرتبط با موضوع و اسناد پراکنده متعددی که در مطالعات توصیفی منعکس شده‌اند، به‌عنوان داده مدنظر قرار می‌گیرند. در بررسی تاریخی از اسناد و مطالعات تاریخی و طرح‌های جامع ۱۳۵۲ و ۱۳۶۴ و طرح تجدیدنظر طرح جامع ۱۳۸۱ استفاده خواهد شد. از داده‌های سرشماری‌های مختلف، سالنامه‌های آماری و گزارشات ادارات و سازمانها استفاده خواهد شد. همچنین مطالعه تدبیر شهر (۱۳۸۲) در مورد سکونت‌گاه‌های غیررسمی نیز مدنظر قرار خواهد گرفت.

**مشاهده**

ابزار دیگری است که در این مطالعه به توزیع ناعادلانه امکانات و جمعیت در جغرافیای سرزمینی به کار گرفته شده است.

**مصاحبه**

یکی از عمومی ترین تکنیک های روش تحقیق کیفی است. این تکنیک در بخش های مختلف در جمع آوری داده ها موثر بوده است. به ویژه در تحلیل عوامل اجتماعی، اقتصادی و نحوه حوزه بندی پیشنهادی. مصاحبه ها بیشتر با کارشناسان حوزه برنامه ریزی و توسعه و آگاهان محلی بود.

**جامعه مورد مطالعه**

استان کرمانشاه با مساحتی معادل ۲۴۴۳۴/۲۵ کیلومتر مربع از شمال به استان کردستان، از جنوب به استان های لرستان و ایلام، از شرق به استان همدان و از غرب به کشور عراق محدود است. این استان در سال ۱۳۹۵ دارای ۱۴ شهرستان و ۳۴ شهر است. طبق داده های جدول زیر ۷۵/۲ درصد جمعیت استان شهری و ۲۴/۸ درصد روستایی است. ۶۴/۶۳ درصد جمعیت شهری در شهر کرمانشاه و ۳۵/۳۷ درصد در ۳۳ شهر دیگر زندگی می کنند.

**جدول ۱: جمعیت شهری و روستایی در شهرستان های استان ۱۳۹۵**

جمعیت سال ۱۳۹۵				کل	شهرستان
روستایی		شهری			
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۳۴/۸۴	۴۹۰۰۰	۶۵/۱۵	۹۱۸۷۶	۱۴۰۸۷۶	اسلام آباد غرب
۱۲/۱۷	۲۴۳۲۸	۵۹/۷۴	۳۶۱۰۳	۶۰۴۳۱	پاوه
۴۴/۵۲	۳۶۳۵۷	۵۵/۴۷	۴۵۳۰۴	۸۱۶۶۱	سنقر
۵۴/۳	۲۲۱۶۷	۴۵/۶۹	۱۸۶۵۳	۴۰۸۲۰	قصر شیرین
۱۲/۱۷	۱۳۱۵۴۸	۸۷/۸۲	۹۴۹۲۸۵	۱۰۸۰۸۳۳	کرمانشاه
۲۹/۱۷	۲۲۲۳۵	۷۰/۸۳	۵۳۹۸۱	۷۶۲۱۶	کنگاور
۴۶/۷	۳۹۸۶۱	۵۳/۲۹	۴۵۴۸۱	۸۵۳۴۲	سرپل ذهاب

جمعیت سال ۱۳۹۵				کل	شهرستان
روستایی		شهری			
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۵۵/۷۱	۳۱۷۶۳	۴۴/۲۸	۲۵۲۴۴	۵۷۰۰۷	گیلان غرب
۲۷/۶۹	۲۰۸۱۵	۷۲/۳	۵۴۳۵۴	۷۵۱۶۹	جوانرود
۴۸/۸۳	۳۴۵۵۴	۵۱/۱۶	۳۶۲۰۳	۷۰۷۵۷	صحنه
۳۷/۳۴	۲۹۲۶۲	۶۲/۶۵	۴۹۰۸۸	۷۸۳۵۰	هرسین
۵۳/۹	۱۹۰۱۶	۴۶/۱	۱۶۲۰۳	۳۵۲۱۹	ثلاث باباجانی
۵۶/۲۲	۲۰۲۳۲	۴۳/۷۷	۱۵۷۵۵	۳۵۹۸۷	دالاهو
۴۱/۰۶	۱۹۵۷۲	۵۸/۹۳	۲۸۰۸۵	۴۷۶۵۷	روانسر
۲۴/۸	۴۸۳۸۱۹	۷۵/۲	۱۴۶۸۶۱۵	۱۹۵۲۴۳۴	استان
۲۶	۲۰۷۷۹۴۲۳	۷۴	۵۹۱۴۶۸۴۷	۷۹۹۲۶۲۷۰	کشور

مأخذ: سرشماری نفوس و مسکن (سال ۱۳۹۵)

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌ها در پنج مرحله تجزیه و تحلیل شدند.

۱. سازماندهی داده‌ها
۲. طبقه‌بندی داده‌ها، موضوع‌های اصلی و الگوها
۳. تلاش برای پاسخگویی به سوالات با توجه به داده‌ها
۴. جستجو برای توجیه‌های مختلف این داده‌ها
۵. نوشتن و تهیه گزارش (مارشال و راسمن، ۱۳۸۱: ۱۵۷)

### پیشینه پژوهش

پیش از این، پژوهش‌هایی در حوزه موضوعی مطالعه حاضر انجام شده است که در ادامه به مهمترین آنها اشاره خواهد شد.

روستایی (۱۳۷۷) در پایان‌نامه دوره دکتری تحت عنوان «سازمان فضایی نظام سکونت‌گاهی و نقش آن در تعادل ناحیه‌ای» تلاش دارد که نظام شهری را در ناحیه آذربایجان مطالعه کند. این پژوهش سعی دارد از جزئی‌نگری پرهیز کند و دلایل

گسیختگی فضایی در نظام شهری را تبیین کند. حوزه آذربایجان دارای ۴۱ شهر است که عمده‌ترین خدمات و منابع در دو شهر تبریز و اردبیل جمع شده‌اند. «مجموع حقوق پرداخت‌شده در طول یک ماه در سطح جامعه شهری ناحیه مورد مطالعه به‌طور متوسط ۷۷/۲۳۴ میلیارد ریال است. این رقم در قالب بودجه جاری کشور در سطح ۴۱ شهر مورد مطالعه هزینه می‌شود. ۴۹/۳۲ درصد این رقم یعنی معادل ۳۸/۰۸۹۲ میلیارد ریال در شهر تبریز به گردش می‌آید و ۱۱ درصد دیگر را شهر اردبیل به خود اختصاص داده است» (۱۳۷۷: ۲۷۸). نویسنده علت عدم توازن در سازمان‌دهی نظام فضایی را به دو حیطة مربوط می‌سازد. الف) برنامه‌های توسعه ۵ ساله دولت که نظام بودجه‌ریزی آن بر اساس جمعیت است. ب) ناهمگونی گرایش‌ها در صنعت و خدمات. درنهایت نویسنده شهرگرایی در ایران را «شهرگرایی دولتی» می‌نامد.

قلی‌پور (۱۳۹۱) در پایان‌نامه دکتری تحت عنوان «تولید اجتماعی فضای شهری در کرمانشاه» تلاش می‌کند سازوکار تولید فضا (فضای انگاشت شده، فضای برداشت‌شده و فضای زیسته) را از دوره قاجار تاکنون مطالعه کند. در این کار هم نقش شهرسازان، برنامه‌ریزان، طراحان و مهندسين در حیطة فضای انگاشت شده مشخص است و هم نقش مردم عادی در زندگی روزمره که از طریق نمادسازی و فضاسازی اجتماعی برای محلات نام‌گذاری می‌کنند و محلات را به خوب و بد تقسیم می‌کنند. این پژوهش نقش شیوه تولید بر جابه‌جایی جمعیت و به دنبال آن تغییرات فضایی را دنبال می‌کند. نکته حائز اهمیت آن است که این مطالعه نظام شهری و ارتباط شهرها با هم را مطالعه نمی‌کند و محدود به شهر کرمانشاه است.

پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تحلیل توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه» از طریق ۱۷ شاخص بهداشتی-درمانی، فرهنگی-اجتماعی، گردشگری، مذهبی و زیرساختی و بر اساس مدل TOPICS به رتبه‌بندی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان می‌پردازند. نتایج تحقیق حاکی از توسعه نامتوازن در سطح استان است. شهرستان قصرشیرین نسبت به شهرستان‌های دیگر توسعه‌یافته‌ترین و شهرستان‌های سنقر، جوانرود، گیلان غرب، ثلاث باباجانی، هرسین، سرپل ذهاب، کنگاور، اسلام‌آباد غرب، محروم‌ترین شهرستان‌های استان هستند... این پژوهش تلاش دارد. نامتوازن بودن توسعه را نشان دهد و چندان به سازمان‌دهی فضایی و عوامل مؤثر بر آن کاری ندارد.

لطفی، و باباخانزاده (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی سلسله‌مراتب شهری و پدیده نخست شهری در استان کرمانشاه در طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵» سعی می‌کنند ضمن بررسی سلسله‌مراتب شهری پدیده نخست‌شهری را در استان بررسی کنند. در این بررسی کرمانشاه به‌عنوان نخستین شهر ۸/۸ برابر بزرگ‌تر از شهر دوم اسلام‌آباد غرب است. آنها در این بررسی به عوامل مؤثر در این قطبی بودن، نمی‌پردازند. کرمی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل سلسله‌مراتب شهری در طی شش دوره سرشماری ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵» الگوی پراکندگی شهرها در سطح استان و نخست‌شهری را با استفاده از «تحلیل نزدیک‌ترین همسایگی»، «مرتب‌اندازه زیف» و شاخص «نخست‌شهری» بررسی می‌کنند. نتایج نشان می‌دهند که شهرها از پراکنش نسبتاً منظمی برخوردارند. شهر کرمانشاه اختلاف جمعیتی زیادی با سایر شهرهای استان دارد و نظام شهری استان منطبق بر الگوی نخست شهری است. از این رو قانون مرتبه-اندازه حاکمیتی ندارد. این مقاله نیز دلایل قطبی بودن جمعیت در سطح شهرها را توضیح نمی‌دهد. نکته قابل توجه در این پژوهش‌ها این است که توجهی به عوامل مؤثر در قطبی شدن نظم شهری ندارند.

### مبانی نظری

رویکرد نظری مقاله برگرفته از آرای دیوید هاروی (۱۹۷۳؛ ۱۹۸۵؛ ۱۹۸۸؛ ۱۹۹۰؛ ۱۹۹۶) است. هاروی، سازماندهی فضایی را کاملاً به شرایط تولید و گردش سرمایه مرتبط می‌سازد و آن را بر اساس مفاهیمی نظیر ارزش اضافی، ارزش مصرفی، ارزش مبادله و توزیع درآمد توضیح می‌دهد. او شهرها را «گره‌گانه‌هایی فضایی»<sup>۱</sup> می‌داند که در آن سرمایه متمرکز و در حال گردش است. میدانی است که در آن نزاع طبقاتی صورت می‌گیرد. هاروی «پیدایش تضاد و اعتراض در شهر را از منظر رخنه تدریجی الزامات نظام اقتصادی در زندگی روزمره ساکنان یک محیط اجتماعی- مکانی شرح می‌دهد... اصل ساختاری کلی در ورای این اندیشه، برگرفته از پیوندی است که مارکس میان بحران‌های اقتصادی و ظهور هویت و کنش جمعی طبقه کارگر قائل بود. به نظر مارکس، روابط و پویای اقتصادی با برهم‌زدن شالوده اجتماع و جنبه‌های غیرابزاری آگاهی روزمره به مقاومت و اعتراض سازمان‌یافته می‌انجامد» (تاجبخش، ۱۳۸۶: ۱۳۵). از نظر هاروی

---

#### 1. spatial node



تغییرات شهری متأثر از نظام سرمایه‌داری است و برای درک آن باید به شیوه تولید سرمایه‌داری (به‌ویژه انباشت سرمایه و بحران‌های آن) و جریان سرمایه‌گذاری توجه داشت. او دو نوع مدار سرمایه<sup>۱</sup> را از هم جدا کرد. مدار اول مربوط به تولید کالا است که مارکس به آن توجه داشت. مدار دوم به محیط مخلوق (شهر) مربوط می‌شود. اگر انباشت در مدار اول زیاد باشد جریان سرمایه به‌سوی مدار دوم حرکت خواهد کرد. در این مرحله سکونت‌گاه‌های شهری نقش زیادی در انباشت سرمایه دارند. اگر چه زمین شهرها را می‌توان به مثابه یک کالا خرید و فروش کرد، اما دارای ویژگی‌هایی همچون ثابت‌بودن و غیرقابل حمل‌ونقل بودن (انتقال‌ناپذیری) است. با وجود این، نقش مهمی در زندگی شهری دارد. زیرا در ساخت و ساز مسکن تأثیر دارد و بسیار با دوام است. سرمایه‌گذاری در زمین با اهمیت است و ماهیتی دو لبه دارد. یعنی هم به انباشت سرمایه کمک می‌کند و هم مانع آن می‌گردد. گرایش به سرمایه‌گذاری در محیط مخلوق (شهر) از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر فرق می‌کند. هر چه سرمایه‌گذاری بیشتر صورت گیرد، ارزش مبادله‌ای در این حوزه کم می‌شود و کم‌کم به کاهش و یا حذف سرمایه‌گذاری می‌انجامد و نشان می‌دهد که چگونه بنیان‌های سرمایه‌گذاری سست و بحران‌زاست. اما با کم‌شدن ارزش مبادله‌ای بر ارزش مصرفی محیط مخلوق (شهر) افزوده می‌شود.

از نظر هاروی شهرها متأثر از بنیان‌های اقتصادی هستند. شیوه تولید نظام شهری و سازماندهی درونی شهرها را دچار تحول می‌کنند. در شبکه نظام سکونت‌گاهی نقاط شهری را که سرمایه‌های بیشتری را جذب کنند جاذب جمعیت می‌شوند و تعادل نظام شهری را بر هم می‌زنند. بزرگ‌سری یا نخست‌شهری یکی از پیامدهای این روند است. در درون شهرها اغنیا با استفاده از رانت، برخی فضاهای شهری محصور می‌کنند و با بالا بردن قیمت‌ها سبب انسداد می‌شوند و اجازه نمی‌دهند اقشار فرودست به این فضاها دسترسی پیدا کنند. در نتیجه نابرابری اجتماعی خود را به‌صورت نابرابری فضایی بروز می‌دهد.

سازماندهی فضای شهری و نظام شهری مبتنی بر انباشت سرمایه است. بدین ترتیب ریشه عدم تعادل نظام شهری و تمام منازعات شهری در شیوه تولید است و هیچ موجودیت مستقلی ندارند. «اگر مبارزات طبقاتی محل کار در ذات روابط تولید جای داشته باشند آن‌گاه مبارزات محله‌محور چیزی به‌جز امتداد این حرکت اولیه و اصیل نیستند» (تاجبخش، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

## یافته‌ها

## الف) ویژگی‌های نظام شهری

## ۱- عدم توازن آستانه‌های جمعیتی

تحولات جمعیتی ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ حاکی از آن است که نقاط شهری از ۱۰ شهر به ۳۲ شهر رسیده است. جدول (۲) روند تغییرات سطوح جمعیتی نقاط شهری استان را طی ۴۰ سال (۹۵-۱۳۳۵) نشان می‌دهد. داده‌ها نشان می‌دهند که در سال ۱۳۵۵ از ۱۰ شهر استان ۸ شهر جمعیت کمتر از ۲۵۰۰۰ نفر دارند. شهر اسلام‌آباد غرب بین ۲۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ نفر و شهر کرمانشاه بین ۲۵۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. عدم توازن زیادی در شبکه شهری استان دیده می‌شود. در این شبکه شهر متوسط کوچک و شهر متوسط بزرگ و شهر بسیار بزرگ دیده نمی‌شود. سال ۱۳۶۵، ۸ شهر زیر ۲۵۰۰۰ نفر، یک شهر کوچک و یک شهر متوسط کوچک وجود دارد. شهر متوسط بزرگ و شهر بزرگ میانی وجود ندارد. شهر کرمانشاه با یک پله صعود در زمره شهرهای بسیار بزرگ قرار گرفته است. همچنان در شبکه شهری، عدم توازن قابل توجهی وجود دارد. سال ۱۳۷۵، ۵ شهر (رباط، باینگان، تازه‌آباد، روانسر و سومار) به شبکه شهری اضافه شده است. این شهرها همراه قصرشیرین، کوند غرب، پاوه، نوسود، نودشه، گیلان غرب دارای جمعیت کمتر از ۲۵۰۰۰ نفر هستند. جوانرود و سرپل ذهاب یک پله صعود کرده و در آستانه جمعیتی شهرهای کوچک قرار گرفته‌اند. همچنین هرسین و کنگاور با یک پله صعود در کنار اسلام‌آباد غرب، ۳ شهر متوسط کوچک هستند. کرمانشاه جایگاه قبلی خود را حفظ کرده است.

سال ۱۳۸۵، ۹ شهر به شبکه شهری اضافه شده و همه آنها جمعیتی کمتر از ۱۰۰۰۰۰ نفر دارند. بدین ترتیب ۲۰ شهر از مجموعه شهری کرمانشاه در آستانه جمعیتی روستاشهر قرار دارند. جوانرود، سرپل ذهاب، سنقر و صحنه جایگاه خود در شهرهای کوچک را حفظ کرده‌اند. شهر کنگاور با یک پله سقوط در این آستانه جمعیتی قرار گرفته است. شهرهای اسلام‌آباد و کرمانشاه همچنان جایگاه خود را حفظ کرده‌اند. سال ۱۳۹۰ تنها شهرهای شاهو و بانه‌وره به شبکه شهری اضافه شده است. بسیاری از شهرها جایگاه خود در سرشماری ۱۳۸۵ را حفظ کرده‌اند. تنها تغییرات شبکه شهری، صعود جوانرود و کنگاور به پله بالاتر و سقوط هرسین به یک پله پایین‌تر است. سال ۱۳۹۵ شهرهای گودین و ریجاب به روستا شهرها اضافه شده‌اند. پاوه با یک پله صعود به شهر کوچک تبدیل شده است و بقیه شهرها جایگاه خود را حفظ کرده‌اند. مشکل عمده نظام شهری عدم توزیع متعادل جمعیت است.

جدول ۲: روند تغییرات سطوح جمعیتی نقاط شهری ۹۵-۱۳۵۵

شهرهای بزرگ و بسیار بزرگ	شهرهای بزرگ میانی	شهرهای متوسط بزرگ	شهرهای متوسط کوچک	شهرهای کوچک	روستا شهرها	سال
۹۹۹۹۹- هزار ۵۰۰۰۰ نفر	۴۹۹۹۹- هزار ۲۵۰۰۰ نفر	۱۰۰-۲۵۰ هزار نفر	۵۰۰-۱۰۰ هزار نفر	۲۵-۵۰ هزار نفر	کمتر از ۲۵ هزار نفر	
-	کرمانشاه	-	-	اسلام‌آباد	صحنه، کنگاور، گیلان غرب، سرپل ذهاب، هرسین، قصر شیرین، سنقر، پاوه	۱۳۵۵
کرمانشاه	-	-	اسلام‌آباد	صحنه، هرسین، سنقر، کنگاور	پاوه، جوانرود، نودشه، نوسود، سرپل ذهاب، قصر شیرین، گیلان غرب، کرد	۱۳۶۵
کرمانشاه	-	-	اسلام‌آباد غرب، هرسین، کنگاور	جوانرود، سرپل ذهاب، سنقر، صحنه	رباط، قصر شیرین، کرد غرب، باینگان، پاوه، نوسود، نودشه، سومار، گیلان غرب، تازه‌آباد، روانسر	۱۳۷۵
کرمانشاه	-	-	اسلام‌آباد غرب، هرسین	جوانرود، سرپل ذهاب، سنقر، صحنه، کنگاور	پاوه، روانسر، گیلان غرب، قصر شیرین، تازه‌آباد، کرد، بیستون، گهواره، کوزران، نودشه، سرمست، باینگان، نوسود، حمیل، ازگله، سطر، رباط، هلشی، میان راهان، سومار	۱۳۸۵
کرمانشاه	-	-	جوانرود، کنگاور، اسلام‌آباد غرب	سرپل ذهاب، صحنه، سنقر، هرسین	پاوه، روانسر، گیلان غرب، قصر شیرین، تازه‌آباد، کرد، بیستون، گهواره، کوزران، شاهو، نودشه، سرمست، باینگان، نوسود، حمیل، ازگله، سطر، رباط، هلشی، میان راهان، سومار، بانه‌وره	۱۳۹۰
کرمانشاه	-	-	جوانرود، کنگاور، اسلام‌آباد غرب	سرپل ذهاب، صحنه، سنقر، هرسین، پاوه	پاوه، روانسر، گیلان غرب، قصر شیرین، تازه‌آباد، کرد، بیستون، گهواره، کوزران، شاهو، نودشه، سرمست، باینگان، نوسود، حمیل، ازگله، سطر، رباط، هلشی، میان راهان، سومار، بانه‌وره، ریجاب، گودین	۱۳۹۵

مأخذ: سرشماری نفوس و مسکن

## ۲- نخست شهری

برای سطح‌بندی مراکز جمعیتی از شاخص نخست شهری استفاده کردیم. بر اساس این شاخص، جمعیت شهر اول باید ۲ برابر جمعیت شهر دوم و سه برابر شهر سوم و ۴ برابر شهر چهارم و  $n$  برابر شهر  $n$  ام باشد. برای تشخیص توازن در یک منطقه از فرمول زیر استفاده می‌شود.

$$PI = P1/P2 = (\text{جمعیت دومین شهر} / \text{جمعیت بزرگ‌ترین شهر})$$

اگر مقدار  $PI$  بیشتر از ۲ باشد، توسعه قطبی است و اگر مقدار آن کمتر و یا مساوی ۲ باشد، توسعه متوازن است.

یافته‌ها نشان می‌دهند که این پدیده در طول تمام سرشماری‌ها در استان کرمانشاه قطبی است و تا کنون تداوم داشته است. به‌طور متوسط جمعیت اولین شهر ۸ برابر دومین شهر بوده است. به‌بیان‌دیگر شهر کرمانشاه بالغ بر ۷۰ درصد جمعیت شهری استان را در خود جای داده است.

جدول ۳: میزان شاخص نخست شهری در استان کرمانشاه ۹۰-۱۳۳۵

سال	شهر نخست	شهر دوم	جمعیت شهر اول	جمعیت شهر دوم	شاخص نخست شهری	نتیجه
۱۳۳۵	کرمانشاه	قصر شیرین	۱۲۵۴۳۹	۲۳۹۰۱	۵/۲	بزرگ سری
۱۳۴۵	کرمانشاه	قصر شیرین	۱۷۸۹۳۰	۱۵۹۰۴	۱۱/۲	بزرگ سری
۱۳۵۵	کرمانشاه	اسلام‌آباد غرب	۲۹۰۶۰۰	۳۰۸۱۸	۹/۴	بزرگ سری
۱۳۶۵	کرمانشاه	اسلام‌آباد غرب	۵۶۰۵۱۴	۷۳۳۶۳	۷/۶	بزرگ سری
۱۳۷۵	کرمانشاه	اسلام‌آباد غرب	۶۹۳۱۵۷	۸۳۵۰۵	۸/۳	بزرگ سری
۱۳۸۵	کرمانشاه	اسلام‌آباد غرب	۷۹۴۸۶۳	۸۹۹۰۴	۸/۸	بزرگ سری
۱۳۹۰	کرمانشاه	اسلام‌آباد غرب	۸۵۱۴۰۵	۹۴۶۹۹	۸/۹	بزرگ سری
۱۳۹۵	کرمانشاه	اسلام‌آباد غرب	۹۴۶۶۵۱	۹۰۵۵۹	۱۰/۴۵	بزرگ سری

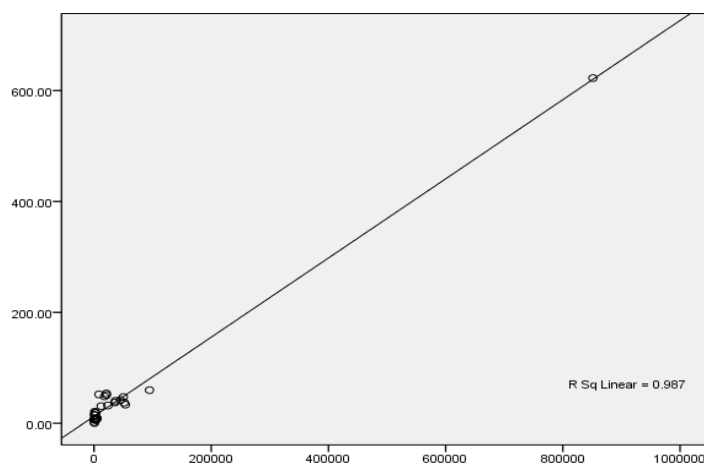
مأخذ: سرشماری نفوس و مسکن

سال ۱۳۳۵ شهر اول کرمانشاه و شهر دوم قصر شیرین و شاخص نخست شهری ۵/۲ حاکی از توسعه نامتوازن است. سال ۱۳۴۵ شهر اول کرمانشاه و شهر دوم قصر شیرین و شاخص نخست شهری ۱۱/۲ حاکی از توسعه نامتوازن است. در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵،

۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ کرمانشاه شهر اول و اسلام‌آباد غرب شهر دوم است. شاخص نخست‌شهری در طی این سال‌ها به ترتیب ۹/۴، ۷/۶، ۸/۳، ۸/۸ و ۸/۹ است. تمام ادوار مذکور، پدیده نخست‌شهری حاکی از توسعه نامتوازن است. از سال ۱۳۶۵ تاکنون شاخص نخست‌شهری همچنان به سمت توسعه نامتوازن پیش می‌رود.

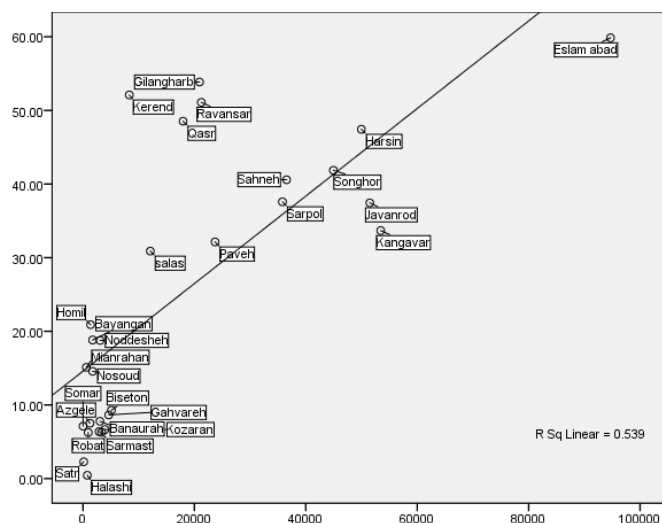
### ۳- توزیع نامتوازن خدمات به تناسب جمعیت

دو مقوله پیشین نشان دادند که جمعیت به‌طور نامتوازن توزیع شده است. در این بخش تلاش داریم تا توزیع خدمات را نیز ارزیابی کنیم. داده‌های خدمات در حوزه‌های گردشگری، فرهنگی، ورزشی، بهداشتی و درمانی، اجتماعی و تأمین اجتماعی، مالی، آموزش عمومی، آموزش عالی و شهری با شاخص‌های مختلف محاسبه و مقایسه شدند. در نهایت برای هر شهری نمره‌ای محاسبه گردید و بر اساس آن شهرها رتبه‌بندی شدند. پس از تجزیه متغیرهای خدمات و تبدیل آنها به یک شاخص، آن را در محور  $x$  قراردادیم و متغیر جمعیت را در محور  $y$  جای دادیم. نمودار نشان می‌دهد که خدمات روی خط رگرسیون قرار دارند. با افزایش خدمات سطح جمعیت نیز بالا می‌رود. شدت همبستگی ۰/۹۹۲ نشان می‌دهد که رابطه محکمی بین دو متغیر وجود دارد؛ یعنی با افزایش سطح خدمات جمعیت نیز افزایش می‌یابد. نمودار شماره ۱، به‌طور گرافیکی پراکنش خدمات را برحسب افزایش جمعیت نشان می‌دهد. شهر کرمانشاه را نمودار خارج می‌کنیم تا پراکنش بهتری از خدمات داشته باشیم.



نمودار ۱: پراکنش خدمات برحسب جمعیت

در نمودار دوم مشاهده می‌شود که با خروج کرمانشاه، الگوی مشخصی در نمودار دیده نمی‌شود و شهرها از خط برازش فاصله می‌گیرند.



نمودار ۲: پراکنش خدمات برحسب جمعیت (غیر از کرمانشاه)

### ب) عوامل اقتصادی مؤثر در نظام شهری قبل از انقلاب

تا قبل از اصلاحات ارضی، جمعیت در پهنه جغرافیایی چندان نامتعادل نبود. بعد از کودتای ۲۸ مرداد در سال ۱۳۳۲ عامل اقتصادی نقش عظیمی در به هم خوردن تعادل جمعیتی داشت و عامل مهمی در عدم توازن جمعیتی شد. بعد از کودتا، شرایط اجتماعی و اقتصادی ایران کاملاً متفاوت گشت. روابط خارجی (به خصوص با امریکا) از سر گرفته شد. نفت ایران در بازارهای خارجی به فروش رفت. برخلاف سالهای گذشته این بار نفت ملی شده بود و تمام درآمد آن به خزانه دولت ریخته می‌شد. با فروش نفت در بازارهای بین‌المللی، ایران صاحب درآمدهای سرشاری شد که می‌بایست توسط دولتمردان در حوزه‌های مختلف هزینه و یا سرمایه‌گذاری شود. دولت، مدرنیزاسیون را با قدرت بیشتری در دستور کار قرار داد و سعی نمود زیرساخت‌های اقتصادی را توسعه، دستگاه بوروکراتیک را گسترش و سرمایه‌گذاری صنعتی را افزایش دهد. تنها تفاوتی که این بار با دوره قبل داشت اتکا دولت اخیر بر درآمدهای سرشار نفتی بود و برای اینکه

بتواند در این زمینه کارآمد باشد یک برنامه‌ریزی اقتصادی انجام داد و دو برنامه عمرانی هفت‌ساله را جهت پیشبرد اهداف خود تعریف نمود. هزینه این برنامه‌ها ابتدا از محل درآمدهای نفت و وام‌های خارجی و پس از آن به مرور زمان صرفاً به درآمدهای نفتی محدود شد. توزیع برنامه عمرانی هفت‌ساله دوم (۱۳۳۴-۱۳۴۱) که اعتبارات آن از درآمد نفت، وام از بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه و کمک‌های دولت امریکا تأمین شد به شرح زیر بود.

از کل اعتبار برنامه، ۳۲/۶ درصد صرف راه‌سازی و زیرساخت‌های لازم و ضروری جهت گسترش بازارهای داخلی شد. «۲۷۰۰ کیلومتر راه شنی و شوسه ساخته شد. تعداد وسایل نقلیه موتوری از ۲۸ هزار در سال ۱۳۲۷ به حدود ۴۷ هزار در سال ۱۳۳۲ و ۱۲۵ هزار در سال ۱۳۴۰ رسید. واردات کالاهای سرمایه‌ای که با شروع جنگ جهانی دوم متوقف شده بود با میزان بیشتری ادامه یافت و از ۱۹۰ میلیون ریال در سال ۱۳۲۰ به ۲۱۹۰ میلیون ریال در سال ۱۳۳۳ و ۱۵۹۱۲ میلیون ریال در سال ۱۳۴۰ رسید» (سوداگر، ۱۳۶۹: ۲۸۴-۲۹۴). عمده‌ترین اهداف برنامه دوم توسعه زیرساخت‌های اقتصادی کشور همراه با توسعه و بهبود خدمات و امکاناتی نظیر آب، شبکه‌های ارتباطی و عمرانی و آبادانی از قبیل آسفالت، چراغانی کردن خیابان‌ها، تحصیلات و امکانات بهداشتی بود. بدین‌روی ۲۶/۳ درصد از اعتبارات برنامه دوم صرف عمران شهری و اصلاحات اجتماعی شد. فعالیت‌های عمران شهری عبارت بودند از: «اجرای طرح‌های لوله‌کشی و تصفیه آب آشامیدنی، ساخت حمام، ایجاد فاضلاب، ایجاد سیل بندها، ساخت پل‌های داخل شهر، ایجاد مراکز تولید برق، ساخت کشتارگاه‌ها و ایجاد خیابان‌ها و آسفالت آن‌ها» (رشدیه، ۱۳۴۹). در سال (۴۶-۱۳۴۱) برنامه سوم عمرانی کشور اجرا شد. برنامه مذکور تلاش داشت تا در زمینه‌هایی سرمایه‌گذاری کند که سرمایه‌داران خصوصی تمایلی به فعالیت در آنها نداشتند.

برنامه عمرانی سوم در ۱۰ فصل تدوین شد. به‌خاطر اصلاحات ارضی اعتبار زیادی برای بخش کشاورزی در نظر گرفته شد. روی‌هم‌رفته در این برنامه «مبلغ ۵۰ میلیارد و صد میلیون ریال برای عمران شهری تخصیص داده شد. از این مقدار ۶۰۰ میلیون ریال صرف خانه‌سازی، ۴۲۵۰ میلیون ریال صرف تهیه آب قابل شرب و طرح بهداشت شهر، ۱۷۰ میلیون ریال صرف طرح‌های حفاظتی و ۹۰ میلیون ریال به طرح‌های جامع اختصاص یافت» (رشدیه، ۱۳۴۹). عمده سرمایه‌گذاری‌های این دوره صرف زیرساخت‌های اقتصادی (نیرو، ارتباطات و مخابرات) و توسعه راه‌های هوایی و زمینی و

توسعه بندرها شد. در سال‌های اول اجرای این برنامه تهیه «طرح جامع» نیز در دستور کار قرار گرفت؛ اما شهرهای استان کرمانشاه مشمول این طرح نشدند.

در سال ۱۳۴۶ دولت برنامه عمرانی چهارم (۱۳۵۱-۱۳۴۶) خود را از محل درآمدهای نفت اجرا کرد. در این برنامه ۶۵ میلیارد ریال برای کشاورزی سرمایه‌گذاری شد؛ اما این مقدار برای بهبود شیوه تولید و رونق کشاورزی نبود بلکه بیشتر در راستای پیشبرد اهداف برنامه اصلاحات ارضی پیش رفت. میزان سرمایه‌گذاری برای صنعت و معدن ۹۹ میلیارد، ارتباطات و حمل‌ونقل ۸۰ میلیارد ریال، آب ۴۸/۵ میلیارد ریال، برق ۳۸ میلیارد ریال، مخابرات ۲۰/۳ میلیارد ریال بود. روی هم رفته موارد سرمایه‌گذاری برنامه در راستای توسعه و عمران شهری بودند و همچنان عمران و آبادانی روستا در آن نقشی نداشت. از ۴۸۰ میلیارد ریال اعتبارات عمرانی برنامه چهارم فقط ۹/۱ میلیارد ریال صرف عمران روستا شد. رؤس برنامه نشان می‌داد که توجه به زیرساخت‌های اقتصادی، صنعت، ارتباطات و عمران شهرها در صدر امور قرار دارد. میزان برخورداری استان کرمانشاه از سهم بودجه‌های عمرانی این برنامه به نسبت دیگر استانها کمتر بود و پروژه‌های صنعتی مهمی نظیر ذوب‌آهن اصفهان، ماشین‌سازی اراک و تبریز در دستور کار قرار گرفتند. تبریز در شمال و اهواز در جنوب کرمانشاه به قطب‌های صنعتی تبدیل شدند. بنابراین این دو نقطه شهری، جاذبه بیشتری برای جذب جمعیت در منطقه غرب کشور بودند و تعادل جمعیتی را به نفع خود بر هم زدند.

برنامه عمرانی پنجم از سال ۱۳۵۲ اجرا شد. در حین اجرای برنامه قیمت نفت به‌طور سرسام‌آوری بالا رفت. بودجه اولیه برنامه ۱۵۴۸ میلیارد ریال بود که پس از تجدیدنظر به ۴۶۹۸/۸ میلیارد ریال افزایش یافت. این برنامه به‌مانند برنامه‌های دوم، سوم و چهارم نابرابری را عمق بخشید. اولین نابرابری به رابطه شهر و روستا برمی‌گشت. سهم بخش صنایع ۲۷۷/۱۴ میلیارد ریال، نفت ۵۳۵/۹ میلیارد ریال، ارتباطات ۴۰۲/۲ میلیارد ریال، آب ۱۶۲/۲ میلیارد ریال، گاز ۱۲۰ میلیارد ریال، برق ۳۱۰/۵ میلیارد ریال، ساختمان‌های دولتی ۳۱۹ میلیارد ریال بود. تنها هزینه‌ای که برای کشاورزی و عمران روستا شد به ترتیب ۱۷۶/۸ و ۶۰ میلیارد ریال بود. «این برنامه در مجموع سیاست‌های صنعتی قبلی را با ابعاد گسترده‌ای دنبال کرد. مسئله ایجاد اشتغال خاصه افزایش عرضه نیروی کار ماهر و متخصص از مسائل عمده این برنامه عمرانی به حساب می‌آمد» (حسامیان، ۱۳۷۷: ۵۸). در نتیجه این نابرابری در سرمایه‌گذاری برخی شهرهای بزرگ مانند تهران، مشهد، تبریز، اصفهان و شیراز جذابیت بیشتری برای جذب جمعیت پیدا



کردند. در این سطح، عمده جمعیت کشور به سوی این شهرها رفتند و مقصد این مهاجران جاذبه جمعیتی خود را از دست داد. «سرمایه‌گذاری در بخش صنعت کرمانشاه از ۱۷۲ میلیون ریال در سال ۱۳۵۳ به بیش از ۲۶۰ میلیون ریال (به قیمت ثابت ۱۳۵۳) در سال ۱۳۵۵ رسید. در این مدت ارزش تولیدات بخش صنعت از ۳۱۶۲ میلیون ریال به ۴۸۹۰ میلیون ریال و ارزش‌افزوده محصولات این بخش از ۱۳۹۰ به ۱۶۴۸ میلیون ریال بالغ گردید. در طی سه سال مذکور تعداد شاغلین بخش صنعت این استان از ۱۸۰۷ به ۲۵۹۸ نفر افزایش یافته بود. بدین ترتیب از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ حجم سرمایه‌گذاری، میزان ارزش‌افزوده و تعداد شاغلین به ترتیب از رشد متوسط سالانه معادل ۱۴/۸، ۱۵/۶، ۱۲/۹ برخوردار بوده است» (مشاور ایران آمایش، ۱۳۷۱: ۷۶).

در طول برنامه عمرانی پنجم توجه خاصی به استان کرمانشاه به‌عنوان یک مرکز صنعتی در میان دو قطب صنعتی تبریز و اهواز شد و به‌مثابه شهری خدماتی-صنعتی در نظر گرفته شد که می‌بایست استان‌های کردستان و ایلام را تغذیه نماید. استان کرمانشاه در مقیاس وسیعی از طرح‌های زیرساختی به‌ویژه جاده‌های بین‌استانی و درون‌استانی و همچنین جاده‌های درون‌شهری بهره‌برد؛ اما در حوزه صنعت، سرمایه‌گذاری کمتری انجام شد. رشد اندکی در ارتباط با صنایع مرتبط با محصولات کشاورزی نظیر سیلوی گندم، کارخانه آرد و کارخانه شیر پاستوریزه صورت گرفت. «علاوه بر کمبود سرمایه‌گذاری دولت در بخش صنعت، سرمایه‌گذاری خصوصی نیز در این بخش بسیار ناچیز بود و حتی اگر هم انجام گرفت به‌لحاظ وسعت و دامنه بسیار محدود بود» (کلارک، ۱۹۶۹: ۵۳). در بخش خدمات عمومی و اجتماعی اقدامات زیادی به انجام رسید که عبارتند از: «۱-لوله‌کشی آب آشامیدنی ۲-سیستم برق‌رسانی ۳-توسعه نظام بهداشت و درمان ۴-اصلاح سیستم فاضلاب کشی ۵-توسعه آموزش ۶-توسعه خیابانها و میدان‌های شهری و آب‌نماها ۷-احداث پارک و کمربندی» (قلی‌پور، ۱۳۹۱) برنامه‌های توسعه، جاذبه شهرها را بالا بردند و روستا و اقتصاد کشاورزی را به حال خود رها کردند. مضاف بر این اصلاحات ارضی دافعه روستا را نیز زیاد کرد. داستان بدین قرار بود که با اجرای برنامه عمرانی دوم (۱۳۴۱-۱۳۴۶) و اعمال سیاست دروازه‌های باز خدمات جبران‌ناپذیری به شیوه تولید سنتی ایران وارد شد و بخش عمده‌ای از مازاد اقتصادی آن از دور خارج شد. موضوع مذکور تنگنایی را به‌همراه داشت. مهم‌ترین بخش آن محدود بودن مدرنیزاسیون در شهر و بیرون قرار گرفتن روستا از تحولات نظام سرمایه‌داری بود. دولت برای برون‌رفت از این تنگنا و دستیابی به نیروی کار ارزان برنامه

اصلاحات ارضی را اجرا کرد. اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ شروع و تا سال ۱۳۵۱ در سه مرحله پایان یافت. اصلاحات ارضی دو پیامد مهم برای روستاییان داشت: نخست، رهاشدن نیروی انسانی از شیوه تولید سنتی. این امر از دو طریق ممکن شد: الف) در طی سه مرحله اجرای اصلاحات ارضی زمین به صاحب نسق واگذار شد و خوش‌نشینان، برزگران و دهقانان فقیر سهمی نبردند (ب) بسیاری از زمین‌های بایر، مراتع و جنگل‌ها ملی اعلام شدند و دامداران جزء که شدیداً به آنها وابسته بودند، چاره‌ای جز رها کردن شیوه تولید خویش نداشتند. چون در روستا غیر از شیوه تولید سنتی، اشتغالی وجود نداشت. روزبه‌روز بر تعداد بیکاران افزوده شد. «بیکاری در فاصله بیست سال (از ۱۳۳۵ به بعد) در روستاهای کشور ده برابر شد و از حدود ۷۵ هزار در سال ۱۳۳۵ به حدود ۷۶۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ رسید» (اعتماد، ۱۳۷۷: ۷۱).

دوم، بسط روابط سرمایه‌داری در روستا: این امر از طریق روابط پولی میسر شد. اقتصاد پولی نظام سهم‌بری و نسق‌داری را از بین برد و به‌جای آن سیستم اجاره‌داری، فروش نیروی کار و فروش محصول را جایگزین ساخت. با این کار امکان خرید انواع کالاها ممکن و بازار مصرف رواج پیدا کرد. به‌بیان‌دیگر، سازمان تولیدی سنتی برای همیشه از هم پاشید و سازمان تولیدی دیگری جایگزین آن نشد. روستا دیگر جاذبه‌ای برای روستاییان نداشت. همزمان با تغییراتی که در شیوه تولید سنتی در روستا رخ داد دولت طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی خود را که عموماً شهری و صنعتی بودند پیگیری نمود. آنچه مشخص است این است که تمام سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌ها در شهر انجام می‌گرفت و هیچ توجهی به روستا نمی‌شد. در استان کرمانشاه، شهر کرمانشاه مورد توجه بود و دیگر شهرها از این مزایا کمتر برخوردار بودند. روزبه‌روز به جذابیت‌های شهر افزوده می‌شد. امکانات رفاهی و بهداشتی آن چندین برابر می‌شد.

این تحولات یا پیشرفت نقصان‌های بزرگی را در درون خویش می‌پروراند:

- نخست، سرمایه‌گذاری مذکور نامتوازن و در حیطه خدمات شهری بود. بخش بسیار ناچیزی از آن صرف صنعت و یا کشاورزی می‌شد. برای مثال «در سال ۱۳۴۳ بانک ملی کرمانشاه ۹ میلیون ریال وام برای توسعه صنعتی و ۹۰ میلیون ریال برای توسعه مسکونی در نظر گرفت» (کلارک و کلارک، ۱۹۶۹: ۵۹). به‌بیان‌دیگر سرمایه‌گذاری در مسکن و خدمات ۱۰ برابر سرمایه‌گذاری در بخش صنعتی بود.

- دوم، عدم تعادل سرمایه‌گذاری (دولتی و خصوصی) در میان شهر و روستا بسیار بود. تمام سرمایه‌گذاری در شهر انجام گرفت و روستاها از آن بی‌بهره بودند. تنها موردی که در روستاهای کرمانشاه وجود داشت به بحث بهداشت و درمان و واکسیناسیون مرتبط می‌شد. البته برای کنترل بیماری‌های واگیردار چاره‌ای غیر از این هم نبود.
- سوم، کشاورزان ایران با رقبای جدیدی نیز روبرو شدند و در رقابت با آنها دچار مشکل شدند. دولت سیاست دروازه‌های باز را در سال ۱۳۳۶ ه. ش اتخاذ کرد و «مواد کشاورزی ارزان‌قیمت مانند گندم و برنج و میوه را از امریکا و سایر کشورها وارد نمود و موجب شد فعالیت‌های بخش کشاورزی، به‌خصوص واحدهای مالکانی که به کشت مکانیزه مایل بودند، مقرون‌به‌صرفه نباشد و در نتیجه موجب افت بازده این بخش -در رابطه با رشد قیمت- و کاهش نسبی اشتغال در آن بخش کشاورزی شد» (اعتماد، ۱۳۷۷: ۸۶). سیاست یادشده بسیاری از صنایع کارگاهی را نیز نابود کرد. صنعت‌گران کرمانشاه همیشه در این عرصه سرآمد بودند. بخش عظیمی از آوازه بازار سنتی کرمانشاه در عهد قاجار به دلیل حضور همین افراد بود که به خیل بیکاران پیوستند. تمامی این موارد سبب شد که شهر کرمانشاه از رونق و جاذبه‌های زیادی برخوردار شود و مهاجرت‌های مختلفی از دیگر نقاط استان و استان‌های لرستان، همدان، ایلام و کردستان به این منطقه صورت گیرد. در نتیجه این روندها تعادل جمعیتی بیشتر از قبل به هم خورد و همچنان شهر کرمانشاه جایگاه نخست شهری خود را در این روند حفظ کرد.

### ج) عوامل اقتصادی و سیاسی مؤثر در نظام شهری بعد از انقلاب

#### جنگ و برهم‌خوردن تعادل جمعیتی

بعد از انقلاب به دلیل هم‌جواری استان با کشور عراق و شروع جنگ تحمیلی سرمایه‌گذاری در این استان صورت نگرفت و به‌لحاظ اقتصادی هم عقلانی نبود. بر طبق آمارهای توسعه و عمران (۱۳۷۱) کل نیروهای وارده به این استان در طول سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵ حدوداً ۱۲۳۸۰ نفر و نیروی کار خارج‌شده از این استان به مقصد استان‌های دیگر ۱۷۷۸۵ نفر برآورد شده است. کلیه آمارها بیانگر رکود سرمایه‌گذاری و اشتغال در بخش خدمات شهری

بود. شهر رونق و زرق ظاهری گذشته را نداشت. اما رشد کلانشهر کرمانشاه همچنان ادامه داشت که دلیل آن به جنگ ایران و عراق مربوط است. سیل عظیمی از جمعیت استان به شهر کرمانشاه سرازیر شد تا همچنان بزرگسری این شهر تداوم پیدا کند. شهرهای مرزی قصر شیرین در استان کرمانشاه اشغال و دیگر شهرهای مرزی نظیر اسلام‌آبادغرب، پاوه، جوانرود و گیلان‌غرب در مقیاس گسترده‌ای صدمه دیدند. شهرهای مرزی قصرشیرین، سرپل‌ذهاب و گیلان‌غرب به جبهه نبرد تبدیل شدند. این شهرها به راحتی در تیررس توپخانه قرار گرفتند. بدین‌روی قصر شیرین خالی از سکنه شد. «حدوداً ۲۵۰۰۰ نفر مهاجر جنگی در روزهای اولیه شروع جنگ در کرمانشاه اسکان داده شد» (تدبیر شهر، ۱۳۸۲: ۲۶). روستاییان ساکن مرز جملگی آواره شدند.

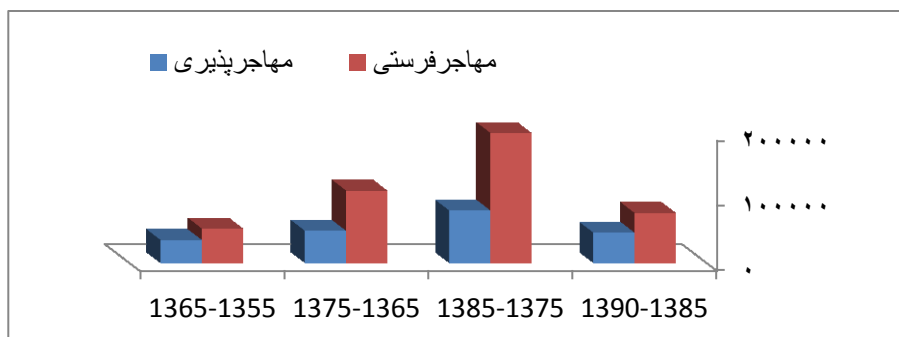
کل سکنه قصر شیرین (۲۳۲۲۴ هزار نفر) شهر را ترک کردند و تعداد زیادی از آنها در یکی از شهرک‌های کرمانشاه (آناهیتا) اسکان داده شدند. بقیه نیز به‌طور پراکنده در سطح شهر کرمانشاه اسکان یافتند. فقط سکنه شهری نبودند که دیار خود را ترک گفتند. جمعیت روستایی این مناطق به‌ویژه آنها که در تیررس حملات دشمن بودند به شهر کرمانشاه و یا دیگر شهرهای امن‌تر رفتند. این پدیده برای شهرهای نفت‌شهر، سومار، گیلان‌غرب و سرپل‌ذهاب نیز اتفاق افتاد. نفت‌شهر و سومار کاملاً خالی از سکنه شدند اما سرپل‌ذهاب و گیلان‌غرب حجم اندکی از جمعیت خود را حفظ کردند. آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد. طبق داده‌های سرشماری در شهر گیلان‌غرب در سال ۱۳۶۵ از جمعیت ۷۷۴۸ نفری سال ۱۳۵۵ فقط ۱۲ نفر در سال ۱۳۶۵ وجود داشت؛ و یا حتی جمعیت برخی استانها نظیر کردستان و ایلام نیز به کرمانشاه سرازیر شدند. مهاجرین در طول جنگ ۸ ساله در کرمانشاه باقی ماندند و تعداد زیادی از آنها به سکنه دائمی این شهر تبدیل شدند. این پدیده دو تأثیر عمده داشت. نخست، از بین رفتن تعادل در نظام شهری. همچنان کرمانشاه به‌عنوان نخست‌شهر استان باقی ماند و جمعیت در بخش غربی استان از دست رفت تا تعادل نظام شهری در کل استان کاملاً به هم خورد. دوم، شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی در شهر کرمانشاه. تعداد این سکونت‌گاه‌ها از مرز ۳۰ مورد تجاوز کردند و یک‌سوم سکنه شهر کرمانشاه را در وضعیت نامناسبی به‌لحاظ کیفیت زندگی قرار دادند. تعداد جنگ‌زده‌ها و حالت اضطراری جنگ اجازه نداد که این مهاجرین در وضعیت مناسبی قرار گیرند. این شرایط سبب شد که مهاجرین رغبتی برای سکونت، شهر نداشته باشند. بسیاری از نیروهای متخصص و باسواد شهر، کرمانشاه را ترک کردند. گرچه کرمانشاه هم‌پذیرای جمعیت بوده اما تراز جمعیتی آن از ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ منفی است.

جدول ۱: تعداد مهاجران وارد شده و مهاجران خارج شده استان کرمانشاه طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

دوره زمانی	مهاجران وارد شده	مهاجران خارج شده	خالص مهاجرت	میزان مهاجرت (برحسب هزار)
۱۳۵۵-۱۳۶۵	۳۵۶۸۱	۵۳۲۸۷	-۱۷۶۰۶	-۱۴/۱
۱۳۶۵-۱۳۷۵	۴۹۶۲۰	۱۱۱۳۱۵	-۶۱۶۹۵	-۳۸
۱۳۷۵-۱۳۸۵	۸۰۸۱۹	۱۹۹۹۴۷	-۱۱۹۱۲۸	-۶۵/۱
۱۳۸۵-۱۳۹۰	۳۹۰۲۰	۷۷۱۳۱	-۳۸۱۱۱	-۱۵/۸

مأخذ: سرشماری نفوس و مسکن ۵۵ تا ۹۰

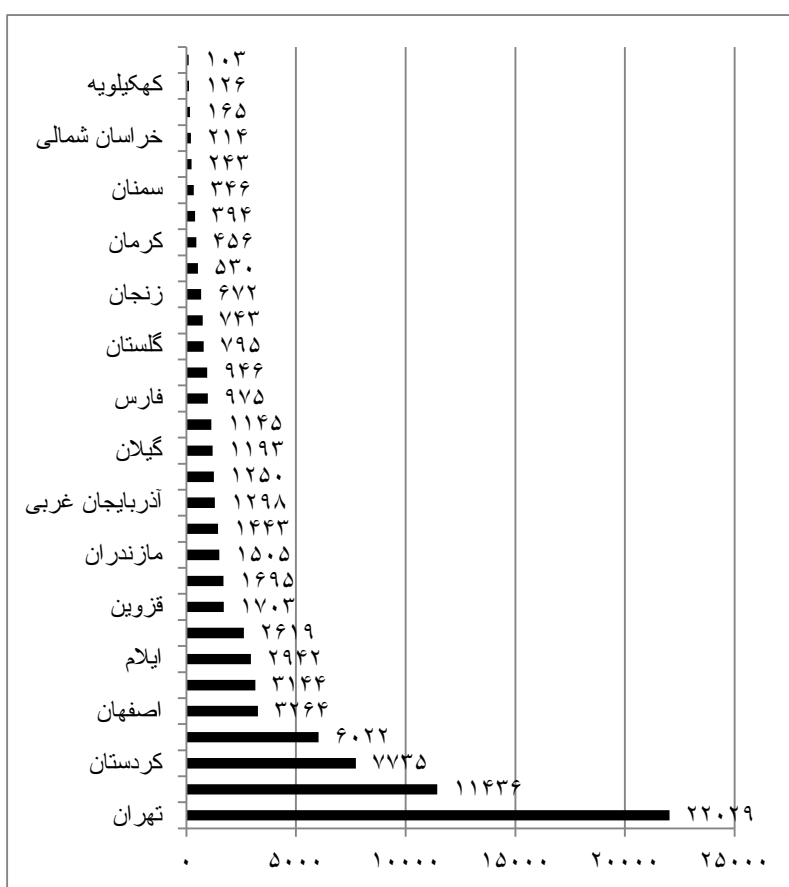
نمودار حجم مهاجرپذیری و مهاجرفرستی استان نشان می‌دهد که در طی زمان حجم مهاجرپذیری و مهاجرفرستی افزایش یافته است اما حجم مهاجرفرستی بیشتر از حجم مهاجرپذیری بوده است. لازم به ذکر است که فاصله زمانی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، پنج سال است درحالی‌که فاصله دوره‌های زمانی دیگر ۱۰ ساله بوده است بنابراین در خصوص مقایسه این نکته بایستی مدنظر قرار گیرد.



نمودار ۳: حجم مهاجرپذیری و مهاجرفرستی استان کرمانشاه در طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰  
مأخذ: گزارش جمعیت‌شناسی آمایش سرزمین کرمانشاه ۱۳۹۵

در جدول (۴) برای مقایسه روند مهاجرت برون‌استانی استان کرمانشاه و استان‌های هم‌جوار در طی سه دهه گذشته شاخص نسبت خالص مهاجرت به جمعیت استان گزارش شده است. لازم به ذکر است که برای محاسبه این شاخص تعداد مهاجران وارد شده به استان از استان‌های دیگر منهای تعداد مهاجران خارج شده از استان شده است

که موازنه مهاجرت خالص استان به دست آمده است، سپس رقم به دست آمده بر تعداد جمعیت آخر دوره زمانی تقسیم شده است و در نهایت در عدد ۱۰۰ ضرب شده است. مقصد مهاجرت‌ها عوض شد. مهاجرت یک پدیده فضایی است و برای فهم آن باید آن را در بافت فضایی کلان تر قرار داد. به بیان دیگر باید آن را در پیوند با سطوح منطقه‌ای و ملی و همچنین توسعه نامتوازن و نابرابری در امکانات تحلیل کرد.



نمودار ۴: حجم مهاجر فرستی استان کرمانشاه به استان‌های کشور در طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰  
 مأخذ: گزارش جمعیت شناسی آمایش سرزمین کرمانشاه ۱۳۹۵

در این مقطع زمانی امکانات در شهر کرمانشاه بسیار پایین و تباهی شهری در آن عیان بود. مهاجرین اغلب بنا بر ضرورت حیاتی سعی کردند به‌جایی بروند که منابع و امکانات بیشتری وجود داشت. آنها مقصد خود را عوض کردند و به سمت قطب‌های توسعه‌یافته‌تری نظیر تهران مهاجرت کردند. تهران جایی بود که از نظر مهاجران بیشترین امکانات را در خود جای داده بود. تهران شهری بود که به‌راحتی می‌شد در آن کسب درآمد کرد. بدین ترتیب روستاییان منطقه کرمانشاه با پشت‌سر گذاشتن شهرهای کوچک و دورافتاده (نظیر سرپل ذهاب، قصر شیرین، جوانرود، هرسین، صحنه، کنگاور) و شهر کرمانشاه مستقیماً به سمت تهران رفتند.

طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ از تعداد ۷۷۱۳۱ نفر که از استان کرمانشاه به استان‌های دیگر مهاجرت کرده‌اند تعداد ۲۲۰۲۹ نفر یعنی ۲۸/۵ درصد به استان تهران مهاجرت کرده‌اند. بسیاری از آنها توده‌ای از افراد بی‌سواد، فقیر و فاقد مهارت بودند و در مشاغل نظیر دست‌فروشی، کارگر ساختمان، باربری، آبدارچی، سرایداری مشغول به کار شدند. بهره‌کشی، دستمزد پایین، رقابت کشنده از ویژگی‌های این مشاغل است.

### برنامه‌های توسعه

علاوه بر عدم سرمایه‌گذاری ناشی از جنگ و برتری دافعه در استان کرمانشاه، ویژگی‌های اقتصاد ایران نیز به‌گونه‌ای است که به گسیختگی فضایی در کشور و استان دامن زد. شیوه تولید کشاورزی همچنان مانند سابق بود و توانایی نگهداری جمعیت را نداشت. روستا را از جاذبه‌های کهن تهی ساخت. نفت همچنان تنها عامل مؤثر در اقتصاد ایران بود. دولت تنها متولی درآمدهای نفتی بود و نیازمندی خود به درآمدهای پیرامونی را از دست داد. همچون گذشته دولت متولی اصلاحات اقتصادی و اجتماعی بود. «چنین شیوه مدیریتی (تمرکز قدرت و تمرکز سرمایه در دست دولت) سیستم‌های سکونت‌گاهی و عملکرد آنها را دچار تحول بنیادی کرد. جایگاه و پویایی شهرها در قالب نظام سکونت‌گاهی از دو عامل اصلی تأثیر پذیرفت؛ عامل اول موقعیت شهر در مدیریت متمرکز سیاسی بود که در قالب نظام سلسله‌مراتبی از بالا به پایین اعمال می‌شد... و عامل دوم رشد و پویایی مناطق برمبنای عوامل اکولوژیک و جمعیتی و سایر عوامل اقتصادی و اجتماعی بود؛ بنابراین فضاهایی که با سهولت خود

را با چنین شیوه‌های مدیریتی و اصلاحات وفق می‌داد به‌عنوان فضاهای برتر و پویاتر در نظام سکونت‌گاهی مطرح بودند که این امر خود از پویایی و انعطاف‌پذیری مناطق به دلیل پتانسیل‌های منطقه‌ای نشأت می‌گرفت» (روستایی، ۱۳۷۵: ۱۱۶). دولت از طریق نفت و برنامه‌های توسعه نقش موثری بر سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی اعمال کرد. از این دوره به بعد استاندار به‌عنوان حاکم جدید و جایگزین حاکم سابق اعتبارات و امکانات مالی که به‌صورت بودجه از دولت مرکزی دریافت می‌کرد به شهرهای مرکزی استان اعزام می‌شد و با زیرمجموعه‌ای از فرمانداران، بخشداران، کارگزاران سایر ارگان‌های اجرایی که هر یک بودجه عملیاتی جداگانه دارند، اداره استان را بر عهده می‌گیرند. اعتبارات و امکانات مالی واحدهای اجرایی جدید که وظایف تفکیک‌شده‌ای بر عهده دارند نه از راه تجاری کردن بهره‌مالکانه تأمین می‌شود و نه از ائتلاف اقتصادی حکومت با عناصر شهر قدیمی. واضح است که منبع اصلی درآمد دولت که ارگان اجرایی حکومت است از فروش نفت، انحصارات و تا حدودی مالیات تأمین می‌شود. این وضعیت به‌مانند قبل از انقلاب از طریق برنامه‌های توسعه ۵ ساله عملیاتی شد. این برنامه‌ها اصلی‌ترین اهرم تأثیرگذاری دولت در هدایت و کنترل کشور است. نحوه بودجه‌ریزی و تخصیص اعتبارات به بخش‌های مختلف نقش موثری بر سازمان‌دهی فضایی دارند. برنامه‌های توسعه و شیوه تمرکزگرای این برنامه‌ها برای مدیریت کشور دو مشکل عمده را در نظام شهری و شیوه شهرنشینی به‌وجود آورد.

#### الف) قطبی شدن نظام شهری در کل کشور

در دوره قاجار جمعیت شهر تهران ۱۵۰ هزار نفر بود (بنگرید به شهری، ۱۳۸۲؛ کریمان، ۱۳۷۷) و جمعیت شهر کرمانشاه در عهد قاجار به‌طور متوسط و تخمینی بین ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر (بنگرید به اباذری و قلی‌پور، ۱۳۹۱). جمعیت تهران حدود سه برابر کرمانشاه بود؛ اما در سال ۱۳۹۰ جمعیت شهر تهران ۸۲۴۴۷۵۹ نفر و جمعیت شهر کرمانشاه ۸۵۱۴۰۵ نفر است. به‌بیان‌دیگر ۹/۷ برابر شهر کرمانشاه جمعیت دارد. این داده‌ها نشان می‌دهد که جمعیت شهری در کل کشور به سمت قطبی شدن شدیدی پیش رفته است. در سطح استانی نیز از سال ۱۳۳۵ شهر کرمانشاه سهم بالایی از جمعیت کل استان را به‌خود اختصاص داده است.



جدول ۵: سهم جمعیت کرمانشاه و دیگر شهرهای استان کرمانشاه در سرشماری‌های متوالی

سال	تعداد نقاط شهر	سهم جمعیت شهر کرمانشاه	سهم جمعیت مابقی شهرها
۱۳۳۵	۱۰	۶۴/۹۱	۳۵/۰۹
۱۳۴۵	۱۰	۶۸/۸۰	۳۱/۲۰
۱۳۵۵	۱۰	۶۵/۷۶	۳۴/۲۴
۱۳۶۵	۱۴	۶۸/۲۰	۳۱/۸۰
۱۳۷۵	۱۹	۶۳/۱۱	۳۶/۸۹
۱۳۸۵	۲۸	۶۳/۳۱	۳۶/۶۹
۱۳۹۰	۳۰	۶۲/۸	۳۷/۲۰
۱۳۹۵	۳۲	۶۴/۴۵	۳۵/۵۵

مأخذ: سرشماری نفوس و مسکن ۵۵ تا ۹۰

سال ۱۳۳۵ کرمانشاه ۶۴/۹۱ درصد و ۹ شهر دیگر ۳۵/۰۹ درصد؛ سال ۱۳۴۵ کرمانشاه ۶۸/۸۰ درصد و ۹ شهر دیگر ۳۱/۲۰ درصد؛ سال ۱۳۵۵ کرمانشاه ۶۵/۷۶ درصد و ۹ شهر دیگر ۳۴/۲۴ درصد، سال ۱۳۶۵ کرمانشاه ۶۸/۲۰ درصد و ۱۳ شهر دیگر ۳۱/۸۰ درصد؛ سال ۱۳۷۵ کرمانشاه ۶۳/۱۱ درصد و ۱۸ شهر دیگر ۳۶/۸۹ درصد؛ سال ۱۳۸۵ کرمانشاه ۶۳/۳۱ درصد و ۲۹ شهر دیگر ۳۶/۶۹ درصد، سال ۱۳۹۰ کرمانشاه ۶۲/۸ درصد و ۲۹ شهر دیگر ۳۷/۲۰ درصد و سال ۱۳۹۵ کرمانشاه ۶۴/۴۵ درصد و ۳۱ شهر دیگر ۳۵/۵۵ درصد از جمعیت شهری سهم داشتند. قطبی بودن جمعیت و عدم توازن جمعیت در شبکه شهری در طول سالیان پایدار مانده و برنامه‌ای برای تغییر آن وجود نداشته است.

### نتیجه گیری

روند شکل‌گیری شهرها و شکل‌گیری نظام شبکه شهرها در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه متفاوت بوده است. شکل‌گیری و کارویژه شهرهای باستانی و قرون وسطایی با شهرهای شکل‌گرفته در جریان انقلاب صنعتی و فراصنعتی نیز کاملاً متفاوت است. در شهرهای باستانی و قرون وسطایی، شهر مکان قدرت بوده است، اما در جریان سرمایه‌داری و صنعتی شدن محیط شهری به کالا تبدیل شده و اقتصاد خانگی به

اقتصاد صنعتی کوچک و بعد به اقتصاد صنعتی بزرگ تغییر یافته و شهر به بازار و فضا تبدیل شده و ظرفیت آن برای جذب جمعیت اضافی بسط پیدا کرده است. شهرها در کشورهای توسعه یافته با رشد تدریجی انقلاب صنعتی به شکل بطئی گسترش پیدا می کردند و جمعیت مازاد روستا در نتیجه گذار جمعیتی و یا خسته از روابط فئودالی در شهرها جذب می شدند و امکان ایجاد زیرساخت ها توسط برنامه ریزان شهری فراهم بود و بنابراین شهرها تعادل خود را حفظ می کردند.

در ایران روند تحول جمعیت شهرها متفاوت از کشورهای توسعه یافته بوده است و افزایش شهرنشینی هم راستا با روند توسعه و فرآیند مدرنیزاسیون نبوده است. درصد شهرنشینی در استان کرمانشاه طی ۶۰ سال (۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵) از ۲۰ درصد به ۸۰ درصد افزایش یافته است. در این شهرگرایی فرآیندها که به عدم تعادل نظام شبکه‌ی شهری منجر شده، اقتصاد سیاسی فضا نقش مهمی داشته است و تحولات شهرنشینی بیش از آن که طبیعی باشد نتیجه فرآیندهای سیاسی و اقتصادی بوده است که در این جستار به بسط آن پرداخته شد.

درآمد سرشار نفت که بعد از کودتای ۲۸ مرداد به کشور سرآزیر شد عدم تعادل در نظام شهری را بنا نهاد. این درآمدها از طریق برنامه‌های توسعه هزینه شدند. اعتبارات در بعضی مناطق بیشتر و در برخی مناطق کمتر هزینه شدند. با وجود افزایش درآمدهای نفتی افزایش بودجه‌های تخصیصی به استان‌ها منوط به زیر ساخت‌های اولیه صنعتی بود و از آنجا که استان کرمانشاه از این ملزومات محروم بود، کماکان شکاف ایجاد شده در زمینه اقتصادی بین استان کرمانشاه و استان‌های هم‌تراز جمعیتی آن باقی مانده بود که در شکل‌گیری نظام شهری در کل کشور نقش عمده‌ای داشته است. معهدا در زاگرس میانی، نقطه شهری کرمانشاه به نسبت منطقه شهری آن از امکانات بیشتری برخوردار شد و جاذب جمعیت اطراف خویش شد. قبل از انقلاب کرمانشاه به کانون‌های جذب جمعیت استان کرمانشاه، ایلام، لرستان و بخشی از استان همدان شد. همین امر تعادل نظام شهری را برهم زد و پدیده نخست شهری را عمق بخشید و سلسله مراتب نامناسبی را رقم زد که متوسط بزرگ و میانی بزرگ در آن وجود نداشت.

با شروع جنگ ایران و عراق که استان کرمانشاه درگیر آن شد، روابط بازرگانی که در دوره پهلوی کمرنگ شده بود به‌طور کلی از بین رفت و نظام معیشتی استان باز هم به کشاورزی سنتی برگشت. چنین نظامی افزایش تولید مازاد، روابط سرمایه‌داری و نظام بازار شهری که زمینه‌ساز شکل‌گیری نظام شهری طبیعی و متعادل است فراهم

نمی‌سازد. لازم به ذکر است که تولید کشاورزی سنتی با این که سطح زیرکشت زمین‌ها افزایشی ندارد اما تأمین معاش جمعیت حداقلی از روستا را فراهم می‌نماید و در نتیجه افزایش جمعیت ناشی از تجربه گذار جمعیتی و یا به عبارتی رشد طبیعی که از ۱۳۳۰ در استان کرمانشاه شروع شده بود، به مهاجرت روستا-شهری منجر شده است و این در شکل‌گیری نظام شهری کرمانشاه و نیز شکل‌گیری کلان شهر کرمانشاه نقش عمده‌ای ایفا کرده است. شهر کرمانشاه به محل سرریز جمعیتی استان‌های اطراف و همچنین جمعیت مهاجر ناشی از جنگ تبدیل شد. زیرا روستاها و شهرهای کوچک ظرفیت اشتغال‌زایی و ماندگاری جمعیت را نداشتند؛ اما شهرهای بزرگ زمینه بروز مشاغل غیررسمی و تأمین معیشت حداقلی فراهم می‌کنند و به تدریج در چنین شهرهایی اشتغال و معیشت جمعیت اضافی از طریق مسائل اجتماعی خواهد بود. این عوامل اقتصادی و سیاسی منجر به افزایش جمعیت شهر کرمانشاه و تعمیق پدیده نخست شهری، گسترش روستا شهرها، نبود شهر متوسط بزرگ و شهر میانی بزرگ شده است. این، اقتصاد سیاسی است که منجر به عدم تعادل نظام شهری در استان کرمانشاه شده است.

## منابع

- ابادری، یوسفعلی و قلی پور، سیاوش. (۱۳۹۱). *فضای اجتماعی کرمانشاه در دوره قاجار*. تهران: پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۱). «ویژگی‌های تاریخ شهرنشینی در ایران دوره اسلامی». *نامه علوم اجتماعی*. دوره ۱. شماره ۴. ۴۹-۷.
- اعتماد، گیتی. (۱۳۷۷). «مهاجرت در ایران در دهه‌های اخیر». *شهرنشینی در ایران*. تهران: آگاه.
- آسایش، حسین و مشیری، سیدرحیم. (۱۳۸۴). *روش‌شناسی و تکنیک‌های تحقیق علمی در علوم انسانی با تاکید بر جغرافیا*. تهران: قومس.
- بیات، آصف. (۱۳۷۷). *سیاست‌های خیابانی: جنبش تهیدستان در ایران*. ترجمه: سید اسداله نبوی. تهران: شیرازه.
- پورمحمدی و همکاران. (۱۳۹۱). «تحلیل توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه». *مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی*. سال دوم. شماره ۱، ۲۶-۱.
- تاجبخش، کیان. (۱۳۸۶). *آرمان شهر: فضا، هویت و قدرت در اندیشه معاصر*. ترجمه: افشین خاک باز. تهران: نی.
- حسامیان، فرخ. (۱۳۷۷). «شهرنشینی مرحله گذار». *شهرنشینی در ایران*. تهران: آگاه.
- رشدیه، سعدالدین. (۱۳۴۹). *شهرسازی و طرح‌ریزی شهری در ایران*. تهران: اتحادیه شهرداری‌های ایران.
- روستایی، شهرپور. (۱۳۷۷). سازمان فضایی نظام سکونت‌گاهی و نقش آن در تعادل ناحیه‌ای. پایان‌نامه دکتری. تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- سوداگر، محمدرضا. (۱۳۶۹). *رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله انتقالی ۱۳۰۴-۱۳۴۰)*. تهران: موسسه تحقیقات اقتصادی یازند.
- سوداگر، محمدرضا. (۱۳۶۹). *رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله گسترش ۱۳۲۴-۱۳۵۷)*. تهران: شعله اندیشه.
- شهری، جعفر. (۱۳۵۷). *تهران قدیم، ایران قدیم*. تهران: امیرکبیر.
- قلی پور، سیاوش. (۱۳۹۱). تولید اجتماعی فضای شهری: مطالعه موردی شهر کرمانشاه. پایان‌نامه دکتری. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- کرمی، محمد و همکاران. (۱۳۹۱). «تحلیل سلسله‌مراتب شهری در طی شش دوره سرشماری ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵»

- کریمان، حسین. (۱۳۶۸). *تهران درگذشته و حال*. تهران: دانشگاه تهران.
- لطفی، صدیقه و باباخانزاده، ادريس. (۱۳۹۱). «بررسی سلسله‌مراتب شهری و پدیده نخست شهری در استان کرمانشاه در طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵». *مجله علمی-پژوهشی برنامه ریزی فضایی*، شماره ۳، ۷۴-۵۱.
- مارشال، کاترین و راسمن، کرچمن. (۱۳۸۱). *روشهای تحقیق کیفی*. ترجمه: علی پارسائیان و سید محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۳۵). *نتایج سرشماری نفوس و مسکن*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۴۵). *نتایج سرشماری نفوس و مسکن*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۵۵). *نتایج سرشماری نفوس و مسکن*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۵). *نتایج سرشماری نفوس و مسکن*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). *نتایج سرشماری نفوس و مسکن*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). *نتایج سرشماری نفوس و مسکن*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۳۵-۱۳۸۵). *نتایج سرشماری نفوس و مسکن*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *نتایج سرشماری نفوس و مسکن*.
- مشاور ایران آمایش. (۱۳۶۴). «طرح جامع شهر باخران»، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- مشاور تدبیر شهر. (۱۳۸۲). «گزارش امکان‌سنجی طرح توانمندسازی اسکان غیررسمی کرمانشاه: وزارت مسکن و شهرسازی».
- مشاور طرح و آمایش. (۱۳۸۱). «تجدیدنظر طرح جامع»، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- مشاور مرجان. (۱۳۵۲). «خلاصه طرح جامع شهر کرمانشاه»، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- مشاور مرجان. (۱۳۵۲). «طرح جامع شهر کرمانشاه»، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۶۵). «جمع‌بندی مقدماتی طرح آماده‌سازی باخران».

## References

- Clark, J and Clark, B. (1969). *Kermanshah: An Iranian Provincial City*. UK: Durham University.
- Harvey, D. (1985). *Urbanization of Capital*. Baltimore: John Hopkins Press.
- Harvey, D. (1989). *The Urban Experience*. Oxford: Blackwell Publishers.
- Harvey, D. (1990). *The Condition of Postmodernity*. Cambridge: Blackwell.
- Harvey, D. (1996). *Justic, Nature, and the Geography of Difference*. Cambridge: Mass Blackwell.